

لحظه‌ای با قصه‌های مادر بزرگ



بیشتر ما با قصه‌های شیرین مادر بزرگ‌ها به خواب رفته‌ایم و در رویا در جایگاه شخصیت‌های قصه با سختی‌ها جنگیده‌ایم و به دنیای افسانه‌ها پا گذاشته‌ایم. رسم زیبایی قصه‌خوانی در شب و در وقت خواب علاوه بر ایجاد و تحکیم رابطه عاطفی با کودک، جزئی از اصول تربیت سنتی در تمام جهان است و فلسفه آن، آماده ساختن کودک برای زندگی و رمز و رازهای آن و تاثیر گذاشتن بر ناخودآگاه اوست.

جام جم آنلاین: #171& خرگوش می‌دوید تا خورجین پر از سیب خود را به کودکانش برساند و آنها را خوشحال کند. اما او نمی‌دانست که کیسه بارش سوراخ شده، آن هم یک سوراخ بزرگ که سیب‌ها دانه دانه از آن بیرون می‌افتادند؛ مادر بزرگ برای هزارمین بار داستان را می‌خواند و چشم‌های کودک را خواب سنگین می‌کرد.

بیشتر ما با قصه‌های شیرین مادر بزرگ‌ها به خواب رفته‌ایم و در رویا در جایگاه شخصیت‌های قصه با سختی‌ها جنگیده‌ایم و به دنیای افسانه‌ها پا گذاشته‌ایم. رسم زیبایی قصه‌خوانی در شب و در وقت خواب علاوه بر ایجاد و تحکیم رابطه عاطفی با کودک، جزئی از اصول تربیت سنتی در تمام جهان است و فلسفه آن، آماده ساختن کودک برای زندگی و رمز و رازهای آن و تاثیر گذاشتن بر ناخودآگاه اوست.

ولی امروزه این رسم دیرینه قصه‌گویی در جامعه پرتنش و پرشتاب امروزی کمرنگ شده است و مادران کمتر فرصت پیدا می‌کنند برای کودک خود پیش از خواب قصه‌ای نقل کنند. اکنون تلویزیون، ویدئو، ماهواره و کامپیوتر جای قصه‌گویی‌های شبانه را گرفته‌اند و اینها به جای قصه‌های شبانه مادر، چشم کودک را برای خواب سنگین می‌کنند غافل از این‌که جوهره عاطفی و کارکرد تربیتی - درمانی قصه‌های شب، قابلیت جایگزینی با هیچ شیوه و رسانه دیگری را ندارد.

مرجان عزت‌خواه، کارشناس امور تربیتی در مورد اهمیت و جایگاه قصه در زندگی کودک می‌گوید: زمانی که کودک خواب است مضمون و وقایع قصه، خود به خود به ضمیر ناخودآگاه کودک راه می‌یابد. یا به عبارتی رمزهای قصه‌ها در ضمیر ناخودآگاه کودک جایگزین می‌شوند تا در زمان لازم ذهن و تخیل کودک را برای مواجهه با واقعیت آماده کنند و درعین حال او را در برابر اضطراب‌ها، ترس‌ها و ناشناخته‌های معمول در زندگی مصون نگه دارند.

وی در همین حال می‌افزاید: قصه‌گویی در رشد عاطفی، فکری و ذهنی کودکان تاثیر بسیاری دارد و باعث می‌شود مفاهیمی مانند ایثار، دلسوزی، عشق، امیدواری و عدالت که برای کودکان کمتر قابل لمس هستند، براحتی درک و پذیرفته شوند.

به اعتقاد نویسندگان کتاب کودک، قصه‌ها علاوه بر جنبه اخلاقی، نوعی مفهوم فلسفی خاص را شامل می‌شوند که ریشه در واقعیت دارند، اما متأسفانه به این مساله در خانه و مدرسه اهمیتی داده نمی‌شود. مادران تنها کسانی هستند که می‌توانند ارتباط عاطفی و قصه‌خوانی را در کودک برقرار کنند و خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی کودکان را پرورش دهند ولی امروزه به دلیل مشغله‌های کاری مادران، اغلب آنان فرصت قصه‌خواندن برای کودکان را از دست داده‌اند. آنها دیگر زمانی را که بتوانند براحتی و با فراغت خاطر برای کودک خود قصه بخوانند به دست نمی‌آورند و خستگی‌های کار بیرون از منزل و کارهای عقب‌مانده داخل منزل، زمان بودن مادر با فرزند را به حداقل رسانده است؛ لحظه‌های با ارزشی که مادران قدیم برای آن ارزش و احترام خاص قائل بودند و سعی نمی‌کردند آن را از دست بدهند.

مدیر یک انتشارات و نویسنده کتاب کودک در مورد خاطرات دوران کودکی خود می‌گوید: از کودکی جزئیات زیادی در خاطر دارم؛ روزهایی که دور هم می‌نشستیم و مادر برایمان کتاب می‌خواند و من همیشه فکر می‌کردم چه زمانی خودم می‌توانم خواندن را شروع کنم.

وی می‌افزاید: فکر می‌کنم وجود پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها در خانواده‌های امروزی لازم است. از این طریق حفظ آداب و رسوم گذشتگان از طریق انتقال تجربیات در خانه امکان‌پذیر است امروزه این ارتباطات قشنگ کم شده و ما می‌خواهیم کودکان خودشان همه چیز را تجربه کنند.

مادر یک کودک 5 ساله با اشاره به این که فرزندش قصه شنیدن را خیلی دوست دارد، می‌گوید: تنها زمان بودن من با فرزندم شب‌هاست. وقتی هنگام خواب می‌خواهم برای او قصه بگویم، وسط‌های قصه و زودتر از فرزندم خوابم می‌برد. او می‌خواهد من قصه را ادامه بدهم ولی چشم‌هایم سنگینی می‌کند و مجبور می‌شوم داستان را نیمه‌کاره تمامش کنم.

وی که یک مادر شاغل است، از این که نمی‌تواند زمان بیشتری را برای فرزندش بگذارد اظهار شرمندگی می‌کند.

هدف قصه‌ها

هدف قصه‌ها، به ظاهر خلق قهرمان و ایجاد کشش و بیدار کردن حس کنجکاوی و سرگرم کردن خواننده یا شنونده است و لذت بخشیدن و مشغول کردن، اما در حقیقت درونمایه و زیربنای فکری و اجتماعی قصه‌ها ترویج و اشاعه اصول انسانی و برادری و برابری و عدالت اجتماعی است.

قهرمان‌ها در بند سودای خصوصی و شخصی نیستند و اغلب درگیر مبارزه با پلیدی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و ستمگری‌ها هستند و در این مبارزه خستگی‌ناپذیرند و هیچ عاملی نمی‌تواند آنها را از این راه باز دارد.

نکته: وجود پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها در خانواده‌های امروزی سبب حفظ آداب و رسوم گذشتگان از طریق انتقال تجربیات در خانه می‌شود امروزه این ارتباطات قشنگ کم شده و ما می‌خواهیم کودکان خودشان همه چیز را تجربه کنند در سال‌های گذشته مادرها و مادر بزرگ‌ها نقش فراوانی در انتقال ارزش‌ها به نسل آینده داشته‌اند. آنها همواره پیروزی روشنی بر تاریکی را در گوش کودکانشان زمزمه کرده‌اند و از این راه نور امید را در دل‌هایشان فروزان نگاه داشته‌اند.

اکنون در بسیاری از کشورهای جهان به اهمیت قصه‌گویی برای کودکان پی‌برده‌اند و دوره‌های آموزشی رسمی، برای تربیت قصه‌گو تاسیس کرده‌اند. تاریخچه آموزش رسمی قصه‌گویی، گویای آن است که نخستین دوره‌های آموزش آکادمیک قصه‌گویی در 171#& مدرسه آموزش کتابداری کارنگی»، برای کتابداران کودک در 171#& بیتسبورگ» به سال 1900 میلادی در آمریکا راه‌اندازی شده است. این دوره 2 ساله بود و هنرآموزان در این دوره، آموزش‌های نظری و عملی قصه‌گویی را فرا می‌گرفتند.

بعدها در مراکز دیگر، مثل کتابداری کتابخانه عمومی 171#& نیویورک» به سال 1912 و همچنین در مدرسه کتابداری دانشگاه کلمبیا به سال 1927، این دوره آموزشی تشکیل شد. تا سال 1960، دست‌کم 211 موسسه تعلیمات عالی در ایالات متحده آمریکا، به آموزش رسمی و آکادمیک قصه‌گویی مشغول بوده‌اند. این تجربه‌های آموزشی در کشورهای مثل انگلستان، استرالیا، زلاندنو، سوئد، دانمارک، هلند، اسپانیا، ژاپن و هند هم انجام شده است.

ورود به دنیای کودکی

نباید فراموش کرد که ورود به دنیای کودکان، ورود به دنیای بزرگی است که باید کودک شویم تا بتوانیم داخل آن شویم. کودکان از تولد تا 6 سالگی دوران مهمی را می‌گذرانند که سریع‌ترین زمان یادگیری و شکل‌گیری الگوها و احساس‌های اساسی نسبت به خود و دیگران است. نقش پدر و مادر کمک به کشف این دنیا و در نتیجه رشد کلامی با صحبت کردن، پاسخگویی به سوالات، خواندن کتاب و گسترش زبان و مهارت کلامی اوست. قصه‌های عامیانه و افسانه‌ها به دنیای کودکان تعلق دارند. افسانه‌ها مفهومی اسطوره‌ای از دنیا دارند و عمق طبیعت و نیاز انسان را در به دست آوردن عدالت بازگو می‌کنند. کارشناسان ادبیات کودک معتقدند: افسانه‌ها فرهنگ و آداب اصیل و میراث باارزش کشورند و امروزه نه تنها جایگاه این قصه‌ها را در ذهن کودکان ایجاد نکرده‌ایم، بلکه خود آن را فراموش کرده‌ایم و بازتابی از آن را در روند رشد و تربیت ذهنی و هنری نسل آینده نمی‌بینیم. یکی از اساسی‌ترین دروسی که کودک باید به طور کامل بیاموزد تا رشد طبیعی داشته باشد استقلال است. افسانه‌ها و سنت‌ها از دیدگاه روان‌شناسی تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی این امکان را می‌دهند تا کودک از بحران و مشکلات بگذرد، مستقل باشد، آزادی واقعی فردی داشته باشد و با بحران‌های خانوادگی آشنا شود.

فروغ شایگان، کارشناس ادبیات مرکز آفرینش‌های ادبی - هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با تأکید بر مزیت‌های قصه‌گویی مادران می‌گوید: قصه گفتن مادر و پدر علاوه بر این‌که بر رشد ذهنی کودک موثر است، برای او امنیت روانی ایجاد می‌کند، زیرا کودک در می‌یابد که پدر و مادر بدون دغدغه زمانی را صرف او می‌کنند. والدین می‌توانند از دوران کودکی او بگویند؛ از ماه‌های اول نوزادی و اتفاقاتی که برای کودک پیش آمده و این را به شکل داستان‌های هر چند کوتاه برای آنها بازگو کنند.

با گفتن این قصه‌ها که در واقع تجربیات سال‌های اول زندگی کودک است، احساس امنیت، لذت و واکنش‌های عاطفی، شدت می‌گیرد و کودک احساس شخصیت می‌کند. با این همه هنوز هم شنیدن قصه‌های مادر بزرگ و تصور شب‌هایی که نوه‌ها را به دور خود جمع می‌کرد و می‌گفت 171#& یکی بود، یکی نبود» شیرین تر از هر تصور دیگری است. هنوز هم می‌توان امتحان کرد کافی است یک بار طعم این قصه‌ها زیر زبان این کودکان مزه کند. آن وقت است که از خیر کامپیوتر و هر چیز پر زرق و برق دیگری می‌گذرند تا به دنیای افسانه‌ها راه یابند.

تهمینه مفیدی / جام‌جم

